

ترجمه‌ی تفسیر طبری

[قصه‌ها]

فارسی قرن چهارم هجری
نوشته‌ی جمعی از علمای ماوراءالنهر

ویرایش متن: جعفر مدرس صادقی



نشر مرکز

فهرست

پیشگفتار مجموعه: بازخوانی متون	۱۰
مقدمه‌ی ویراستار	۱۱

متن

۱ - صفتِ کتاب	۱
۲ - صفتِ کوه قاف و آسمان‌ها و زمین	۳
۳ - حدیثِ آفتاب و ماه‌تاب و ستارگان	۵
۴ - حدیثِ ابلیس	۷
۵ - حدیثِ آفریدنِ آدم	۸
۶ - حدیثِ آدم و حوّا	۱۲
۷ - قصه‌ی بیت‌المعمور	۱۵
۸ - فریفتنِ ابلیس مَر آدم را	۱۷
۹ - قصه‌ی هابیل و قابیل	۱۹
۱۰ - قصه‌ی نوح	۲۲
۱۱ - قصه‌ی هود با عاد	۲۷
۱۲ - قصه‌ی صالح با ثمود	۳۲
۱۳ - قصه‌ی جمشید	۳۵
۱۴ - قصه‌ی ضحاک و افریدون	۳۸
۱۵ - قصه‌ی ابراهیم با آزر و نمرود	۴۱
۱۶ - افگندنِ ابراهیم به آتش	۴۶
۱۷ - رفتنِ نمرود به آسمان	۴۸
۱۸ - هجرت کردنِ ابراهیم	۵۰
۱۹ - قصه‌ی قوم لوط	۵۵

صفتِ کتاب

و این کتاب تفسیر بزرگ است از روایتِ محمد ابن جریر طبری، ترجمه کرده به زبان پارسی و دري راه راست. و این کتاب را بیاوردند از بغداد، چهل مُصحف بود — نبشته به زبان تازی و به اسنادهای دراز بود — و بیاوردند سوی امیر ابوصالح منصور ابن نوح ابن نصر ابن احمد ابن اسماعیل.

پس، دشخوار آمد بر وی خواندن این کتاب و عبارت کردن آن به زبان تازی و چنان خواست که مَر این را ترجمه کند به زبان پارسی. پس، عُلَمای ماوراءالنَّهر را گرد کرد و از ایشان فُتوا کرد که «روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؟» گفتند «روا باشد خواندن و نبشتن تفسیر قرآن به پارسی، مَر آن کس را که او تازی نداند.»

و این زبان پارسی از قدیم باز دانستند: از روزگارِ آدم تا روزگارِ اسماعیل پیغامبر، همه‌ی پیغامبران و ملوکان زمین به پارسی سخن گفتندی. و اوّل کس که سخن گفت به زبان تازی اسماعیل پیغامبر بود. و پیغامبر ما از عرب بیرون آمد و این «قرآن» به زبان عرب بر او فرستادند. و اینجا، به این ناحیت، زبان پارسی است و ملوکان این جانب ملوکِ عجمند.

پس، بفرمود امیر ابوصالح تا عُلَمای ماوراءالنَّهر را گرد کردند از شهر بخارا، چون فقیه ابوبکر ابن احمد ابن حامد و چون خلیل ابن احمد سجستانی، و از شهر بلخ، ابوجعفر ابن محمد ابن علی و از باب‌الهند، فقیه حسن ابن علی مندوس را و ابوجهم خالد ابن هانی مُتَفَقَّه را و هم از این گونه، از شهر سمرقند و از شهر سیبجانب و قرغانه و از هر شهری که بود اندر ماوراءالنَّهر. و همه خطها بدادند بر ترجمه‌ی این کتاب که این راه راست است.

پس، بفرمود امیر ابوصالح این جماعتِ عُلَمای را تا ایشان از میان خویش هر کدام فاضل تر و عالم تر اختیار کنند تا این کتاب را ترجمه کنند. پس، ترجمه کردند و از جمله‌ی این مُصحف، اسنادهای دراز بیفگندند و اقتصار کردند بر متون اخبار و این را بیست